

عنوان مقاله:

نمادپردازی و تصویرسازی با واژه کودک در ادبیات کلاسیک

محل انتشار:

پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره 4، شماره 1 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

ابراهیم ظاهری عبدوند - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

جمال الدین مرتضوی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

اسماعیل صادقی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

خلاصه مقاله:

شاعران در آثار تعلیمی و عرفانی، برای بیان آموزه‌های مورد نظر خود، از صور هنری گوناگونی مانند تمثیل و نماد استفاده می‌کنند. هدف از نگارش این مقاله نیز بررسی تصاویر هنری و به‌ویژه نمادهای ساخته شده با کودک و دوران کودکی در این آثار است. در اشعار عرفانی و تعلیمی، نه تنها اندیشه‌هایی درباره چگونگی تربیت کودکان وجود دارد، بلکه هر یک از مراحل که کودک پشت سر می‌گذارد تا به بزرگ‌سالی می‌رسد، دست‌مایه ساختن تصاویر گوناگون قرار گرفته است. کودک و دوران کودکی نمادی از افراد نادان و ناتوان، سالکان مبتدی، انسان‌های دنیامدار، ظاهر بین، گرفتار هوا و هوس و مقلد است. در برخی مواقع به کودک و دوران کودکی، به‌خصوص زمانی که رمز سالکان و عارفان قرار می‌گیرد، نگاه مثبتی دیده می‌شود؛ اما در بیشتر مواقع نگرش به آن‌ها منفی است و صفتهایی همچون نادان، ناقص، غافل، ترسو، گرفتار ظواهر و هوا و هوس و انجام‌دهنده کار بیهوده به آن‌ها نسبت داده می‌شود. شعر،

کلمات کلیدی:

شعر، کودک، دوران کودکی، نماد، سالک، دنیامداری، نادان، ظاهربین

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1321803>

